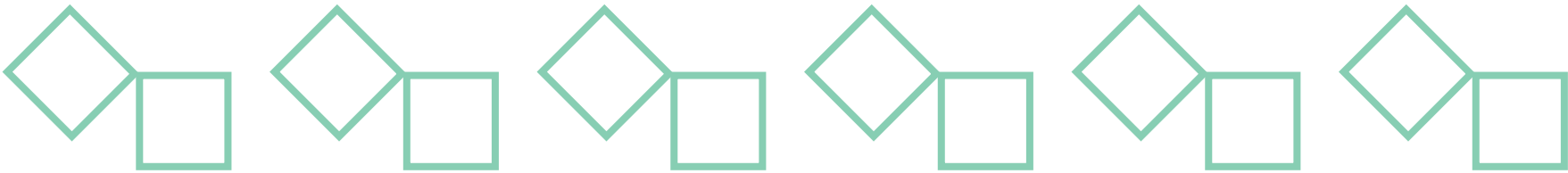




ماهنامه ی سپج دانشگاه الزهرا
مدیر مسئول: سحر محمد پور
سرمدیر: مرضیه نوروزی
ویراستار: زینب سزعلی
و صفحه آرا: مظهره حضرتی
روابط عمومی: ۰۹۱۰۴۴۹۷۵۱۵
شماره سی ام، بهمن و اسفند ۹۶
هیئت تحریریه: آبی آقایی مقدم، لایلا شاهرضا،
مظهره حضرتی



دقایق داغ

کانال تلگرامی طنزیم:

لیونل مسی برای سومین بار در ۳۱ سالگی پدر شد تا هم ثابت کنه خیلی امل و عقب افتاده است، هم بگه با سه مرتبه زایمان ۳۳ سال از عمر همسرش کم کرده! مارلون کماندو



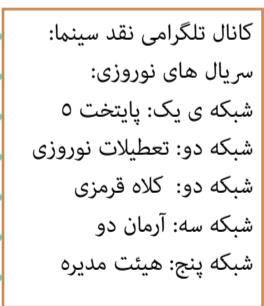
کانال تلگرامی خبرگزاری فارس:

وزیر کار بی کار نشد
علی ربیعی با ۱۲۶ رای موافق، ۱۲۴ رای مخالف و ۲ رای ممتنع و یک رای باطله همچنان به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به کار خود ادامه می دهد.



کانال تلگرامی روشن گری:

مرکز اسناد انقلاب اسلامی:
گزارش ساواک از ارتباط دراویش گنابادی با تشکیلات فراماسونری را منتشر کرد.



کانال تلگرامی نقد سینما:

سریال های نوروزی:
شبکه ی یک: پایتخت ۵
شبکه دو: تعطیلات نوروزی
شبکه دو: کلاه قرمزی
شبکه سه: آرمان دو
شبکه پنج: هیئت مدیره

کانال تلگرامی خبرگزاری فارس:
ذوالنوری: دولت برای پس گرفتن امضای سؤال از رئیس جمهور به جان نمایندگان می افتد.

نماینده مردم قم در مجلس:
- دولت برای پس گرفتن امضای سؤال از رئیس جمهور به جان نمایندگان می افتد و آنها را تهدید می کند که به عنوان نمونه در یک مورد پنج وزیر برای این کار با یک نماینده ارتباط داشتند.

- اصل کار خلاف است که دولت برای پس گرفتن امضا به سراغ نمایندگان رفته است و هیأت رئیسه تخلف کرده که از دولت انصراف را پذیرفته. چرا که باید از نماینده ها این انصراف را بپذیرد و خواهش من این است که این موضوع را حل کنید.

مریم رجوی در مصاحبه با روزنامه سعودی درخصوص آشوب های اعتراضی دی ماه: کار ما بود.

آنچه که در ایران به وقوع پیوست فعالیت مجاهدین خلق (منافقین) در شهرهای مختلف بود. ما خواهان یک نظام لائیک هستیم. پایگاه های مجاهدین خلق و مراکز شورش وابسته به آن ها نقش بزرگی در شورش های اخیر در ایران ایفا کردند.



کانال تلگرامی روشنگری:

کسب رتبه ۱۳ حوزه بیوتکنولوژی در دنیا توسط ایران بالاتر از هلند، سوییس و سوئد و... در سال ۲۰۱۶ میلادی #خودباوری ملی



این دریافت های غیر عادلانه مقایسه می کنند و این سوال را می پرسند که بر اساس چه معیار و امتیازی و به دلیل انجام کدام کار ویژه، این حقوق ها پرداخت شده است؟ فرض کنید شما این همه زحمت بکشید، کار کنید بعد یک نفر با یک دریافت غیر عادلانه همه را ضایع کند.

آیا فاصله ی بین پنجاه میلیون و یک میلیون غیر عادلانه نیست؟ با مردم همدردی کنید که نشان دهید همان رنجی را که او میبرد شما هم میباید. عزم راسخ جلوبیش را بگیرید. همه ی سازمان ها و قوا باید این را رعایت بکنند.» (حضرت امام خامنه ای)

خاله و پسر عمو و امثالهم باشد! یا شاید هم غلظت و رنگین بودن خون. شاید هم عده ای حجم شکم هایشان بزرگتر است و هر چه از سفره انقلاب تناول می کنند سیر نمی شوند.

به راستی آیا طرح چنین مسئله ای در شرایط فعلی کشور، همی می بر خشم شعله ور مردم زجر کشیده نیست؟ اولویت مهم کنونی، افزایش حقوق نمایندگان است؟ در صورتی که هنوز پاسخ روشنی درباره حقوق های حرام نجومی داده نشده و «اعتماد مردم در این قضیه ضربه ی فراوانی خورده است. زیرا مردم و جوانان تحصیلکرده دریافت های خود را با

حقوق، ثابت بماند. و یا: حقوق ثابت، بماند. یعنی فلان وزیر و نماینده و ... با پایان هر دولت و تنزل سمت، باز هم همان حقوق گراف را به صورت مادام العمر دریافت خواهند کرد و چه مسئول باشند و چه نباشند حقوقشان محفوظ است.

با احتساب دامنه ی گسترده ی مسئولین حقوق بگیر کشور، پیش بینی وقوع فاجعه برای صندوق های مالی و ارزی در اثر تصویب و اجرای طرح افزایش حقوق مسئولان، چندان دور از ذهن و غیر قابل اثبات نیست. به راستی ملاک و معیار «حقوق بگیر» چیست؟! شاید ملاک مدرک، مهارت، پسر

گشتی در بهارستان

[در سطح شهر و معیشت مردم عادی]:

چند وقتی است شاهد سیر صعودی افزایش قیمت های اقلام اولیه ی زندگی و ثابت ماندن میزان دریافتی افراد هستیم. کسری بی دفاعی که روز به روز مخرجش از صورتش بزرگتر و کمتری که روز به روز زیر بار زندگی خم تر می شود!

[در بهارستان، جلسه ی نمایندگان مردم]:

ارائه ی طرحی که طبق آن حقوق مسئولین افزایش ۵۰ درصدی پیدا می کند. آن هم چه افزایشی! شما این جمله را چگونه میخوانید؟ «حقوق ثابت بماند»

جابه جایی یک ویرگول میتواند معنی را کاملا تغییر دهد.

دختران خیابان انقلاب

فروکش کردن یکباره پدیده دختران خیابان انقلاب که تلاش فراوان می شد یک پدیده ریشه دار و عمیق، و نمادی از اعتراض فوران کرده زنان ایرانی به مسئله حجاب جلوه داده شود، نشان می دهد ارزیابی پیشین در این کانال، درباره تحمیلی بودن این پدیده، بیراه نبوده است. گذشته از اینکه دختران روسری از سر برداشته، که بودند و درباره کار خود

چه گفته اند - که من هم مانند بسیاری دیگر منتظر انتشار اطلاعات رسمی در این باره هستم- صفر شدن ناگهانی این حرکت، نشان می دهد درباره «ریشه اجتماعی» اعتراض به حجاب در ایران به شدت غلو شده است. جامعه ای چنان عصبانی که کارش به باد دادن روسری بر فراز پست برق گوشه خیابان کشیده باشد، به این سادگی از خواست خود کوتاه نمی آید. اکنون خبری از آن کشف

حجاب ها نیست، جامعه هم به راه خود می رود. دوباره تکرار می کنم، اینکه درون جامعه ایرانی دیدگاه های مختلفی درباره حد و مرز پوشش زنان وجود دارد، بی گفت وگو صحیح است اما اینکه در این چند هفته تلاش شد گفته شود اساسا اکثریت زنان ایرانی به تنگ آمده اند و دیگر حاضر به حفظ حجاب نیستند، آشکارا یک «فضاسازی» بوده است تا اینکه از حقیقتی حکایت

کند. باید به دقت میان «دیدگاه های مختلف درباره پوشش» و «شکل گیری اراده عمومی میان زنان برای عبور از حجاب» تفکیک کرد. اولی طبیعی است اما دومی اگر واقعا شکل گرفته بود، قضیه به انتحار چند خانم وابسته به اینجا و آنجا ختم نمی شد. روشن است که طرف های مختلف -از جمله کسانی در خارج از ایران- فهمیده اند اعتراضی در جامعه ایران وجود دارد و تصور می کنند

و اختیار از کف دادن برخی اصلاح طلبان بود که خیال کردند واقعا دوران مینی ژوب در ایران فرارسیده و آنچه را سال ها در نهانخانه دل پنهان کرده بودند بیرون ریختند. این مقدار ناشکیبایی و خامی از حافظه تاریخ این کشور زوده نخواهد شد. مهدی محمدی

معرفی کتاب

همه ما به عنوان نسل سوم انقلاب حق داریم ک هزار بار از خودمون و تاریخ بپرسم که چرا حالا انقلاب؟ اصلا چی شد که بعد از ۲۵۰۰ سال «نظام سلطنتی»، پدرهای ما، ۳۰ و چند سال پیش به فکر افتادن که آقا بیا سلطنت رو ریشه کن کنیم و نظام ایده آل «دینی» تشکیل بدیم؟ مگه سلطنت پهلوی دوم از پهلوی اول بدتر بود؟ یعنی پهلوی ها از حکومت های قبلی ظالم تر بودن؟

نکنه شرایط اقتصادی از دوران قحطی بزرگ احمد شاه هم سخت تر بوده؟

چه کسی باید جواب گوی ما باشه که استقلال کشور زمان پهلوی کمتر بود یا قاجار؟ واقعا پدر های ما اون روز بیدارترین نسل این تاریخ تاجدار بودن؟

یا به نظر شما هم کل ماجرا تحریک روحانیون بوده؟ همیشه تاریخ جواب های جسته و گریخته ای به ما داده ، اما تا با شخصیت های اون روز ها زندگی نکنیم، شرایط جامعه رو درک نخواهیم کرد.

«رمان» یه راه ساده و لذت بخش برای زندگی کردن با شخصیت هاست و این بار همراه شدن با خود اعلا حضرت همایونی تاجدار، پهلوی دوم، شاید پرت ترین شاه تاریخ سلطنتی ایران که فقط دنبال یه زندگی بی دغدغه اما پر شکوه بوده! «آه پدر تاجدار... این مردم قدر من و ریخت و پاش هایم را نمی دانند.»

#شاه بی شین نویسنده: کاظم مزینانی انتشارات سوره مهر



بسپج دانشجویی الزهرا(س)

سایت:

www.alzahrabszij.salehin.ir

آدرس کانال نرم افزار سروش:

@alzahrabasij

شب شهادت مادر، پاسداران ، گلستان هفتم

شبی خبرساز که گفته ها و شنیده ها ، فضای مجازی و حقیقی را دگرگون کرد .

اما به راستی در این خیابان چه می گذشت؟ چه می گذرد؟

_ نام درویش را بسیار شنیده ایم، درویشی که در شعرهای باباطاهر محتاج یک تکه پارچه برای کفن ودفن او هستند، درویش از منظر جناب حافظ !

اما تعریف امروز درویش متفاوت تر شده، درویشی که پورشه سوار شده و سر از یکی از بهترین و گران ترین مناطق پایتخت در آورده است؛ احتمالاً اگر جناب حافظ عمری به درازی تاریخ داشتند از اشعار خود در باب درویش توبه می کردند. درویشی که به عبادت و زهد و تواضع و علی دوستی مشهور است ناگاه با کوکتل مولوتف، قمه، انواع سلاح سرد و در آخر اتوبوس مرتکب جنایت شده و با گروهک های تروریستی (ری استارت) همکاری میکند.

مسئله اینجاست که اگر از پورشه و پول

و ... بگذریم از تحریف و اهانت به

دین، از اهانت به فاطمه زهرا(س) کسه

ئی شود گذشت، از خون ریخته جوانانی که

حتما قلب های نگرانی برای آنها هنوز می تپد...

از به یدک کشیدن نام مردمان گناباد،

مردم غیرقندی که با امضاء طومار اعلام برائت و تنفر کردند که غی شود گذشت.

دم از علی زدن و اهانت به همسرش؟ مگر

می شود تواضع علی وآدم کشی؟ فرق علی را خوارج شکافتند اما قلبش را،

کمرش را کسانی شکستند که پهلوی فاطمه را.

چرا تا چندین سال پیش کسی با این به اصطلاح درویش که مدعی قدمت تاریخی هستند کاری نداشت، چرا کسی از مردم عامه نامی از آنها در ذهن نداشت ؟

ئی توان گفت در خانه ای مجلدل در گلستان هفتم و در پاسداران اتفاقات دیگری در جریان است، خبرهای دیگری ؟

درویشی بهانه ای بیش نیست، همان گونه که درویش نقش بندی در عراق جذب داعش شدند.

درویش نا گنابادی چه چیزی را دنبال می کنند، به راستی در این فرقه چه می گذرد؟

_ جامعه ایران امروز درگیر مسائل متعددی است و اذهان عمومی ناآرام؛ شاید بتوان گفت مهم ترین دغدغه مردم مشکلات معیشتی و اقتصادی است اما در این میان حوادث مختلفی جهت گیری ذهن ها را کنترل می کند.

پس از حادثه کرمانشاه و وضعیت بحرانی شهرستان سرپل ذهاب و روستاهای اطراف آن که می توان گفت هنوز هم ادامه دارد، اعتراضات خیابانی فشار را تداوم می بخشد و بعد ماجرای تأسف بار سانچی ... خبرهایی جدید از دستگیری جاسوس سرویس های ضد امنیتی این بار از بخش محیط زیست شنیده می شود. چندی بعد با خودکشی کاووس سید امامی شوک جدیدی به پرونده وارد میشود. اذهان عمومی با تمام این مسائل دست و پنجه نرم می کند و رهبری در این بین سخن از وجود بی عدالتی به میان می آورد. با سقوط هواپیمای تهران - یاسوج بازار برجام و هواپیماهایی که هرگز تحویل

طرح «اعاده اموال نامشروع» درپچه ای به سوی اعتماد عمومی

نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی با تدوین طرحی و جمع‌آوری حدود یکصد امضا درصدد عملیاتی کردن اصل ۴۹ قانون اساسی هستند. تاکنون رسیدگی به اموال مسئولان در قالب «خوداظهاری» و اصل ۱۴۲ انجام می‌شد و وزرا و مسئولان رده اول کشور لیست اموال خود را به قوه قضائیه ارائه می‌کردند اما هیچ موقع به بررسی و انطباق نینجامید و گزارشی به مردم داده نشد. اما اصل ۴۹ این اجازه را می‌دهد که نظام اسلامی ثروت‌های نامشروع یا بادآورده یا به ناحق افزایش یافته را برگرداند.

ویژگی جذاب و متمایز این طرح پرداختن به گذشته است؛ پرداختن به اموال کسانی که اکنون و دیروز و دهه ۶۰ و ۷۰ مسئول بوده‌اند. بازگشت به گذشته و نه بررسی حال، نقطه عطف در پاسخ به سؤال «از کجا آورده‌ای» می‌باشد. امیرالمؤمنین

نگرقتیم و اعتراف آق‌ای عراقچی مبنی بر سود نبردن از آن گرم می شود، بدتر از همه وضعیت بحرانی مدیریت بحران است که هیچ گاه نتوانست یا نخواست درست عمل کند، طبیعت نیز با ما سر سازگاری نداشت و عملیات سخت و کند پیش می رفت و حالا درویش ماها !!!

_ و اما داستان درویش از چه قرار بود ؟

در تاریخ ۲۹ بهمن ماه دو سارق به جرم دزدیدن خودروی پراید دستگیر می شوند، به بهانه درویش بودن این افراد اتفاقاتی رخ میدهد که خانواده هایی را داغدار می کند.

۵شهید! طبق اسناد و مدارک موجود تنها سلاح در اختیار شهدا سوسکی (لباس مخصوص) و تونفا (باتوم) بود، به هیچ عنوان از سلاح گرم استفاده نشد .طبق گزارش پزشکی قانونی تنها ۵۰ گلوله ساچمه ای از بدن شهید حدادیان (از شهدای بسیج) خارج شد، شهیدی که تنها می خواست با خارج کردن کپسول ۱۱کیلویی از دل آتش ازبروز فاجعه جلوگیری کند.

این روزها ویدئوهایی دست به دست می شود و چراهای بسیار... چرا در پس خانقاه درویشی این افراد تجاوز صورت می گیرد و سپس تهدید؟ چرا آسیب وارد کردن به جسم خویش فضیلت و ثواب محسوب می شود؟ کجای سجده به خلق خدا در مرام درویشی و علی واری است؟ رهبر درویش خود و خانواده اش را بهترین خلق خدا میدانند، احکام خلاف صادر می کند و ...

نکته ی قابل تامل آن است که جریان درویش به سرعت مورد حمایت ضدانقلاب و خارج نشینان قرار گرفته که میتوان گفت بر هدایت و از پیش تعیین شده بودن آن دلالت دارد. ساکنان محله پاسداران ناراحت و خشمگین از حوادث اخیر، با وجود متحمل شدن خسارت های مالی بسیار ، بر درایت ناجا گواهی می دهند.

این بار برخلاف وقایع گذشته از سلبریتی های همیشه در صحنه خبری نیست استراتژی سکوت!! ماجرا ختم می شود اما نه به خیر ! ابهاماتی پیرامون این قضیه وجود دارد و مهم ترین آن ها احتمال ارتباط این افراد با خارج نشینان است.

علی علیزاده از بروز فتنه ای جدید خبر می دهد، فتنه ای که ابتدا نیاز به فعال شدن تمام شکاف های موجود در جامعه دارد و شناسایی نقاط شکننده؛ مسائل اقتصادی، اجتماعی، قومیتی، جنسیتی و مذهبی شاه راه های نفوذ اند، در این میان گم شد ... سخنان رهبری در باب وحدت و جلوگیری از بی عدالتی گم شد ... پرونده جاسوس به کجا رسید؟ مطالبات مردم؟ وعده ها؟ نگذاریم این بار جای شهید و جلاذ عوض شود ! نگذاریم یادمان برود مطالبه ی اصلی مردم چیست ...

نظام را به غارت برده‌اند و آنان که پس از بررسی «پاک» معرفی خواهند شد، افتخارات مدیریتی نظام جمهوری اسلامی خواهند بود که مسئولیت را نه برای زراندوزی و پر کردن جیب خود که برای خدمت می‌خواسته‌اند. قطعاً پاکان از این طرح استقبال کرده و تا تصویب و عملیاتی کردن آن به پیش خواهند رفت و آلودگان نیز هراسان خواهند شد و کارشکنی خود را با زبان حقوق یا سیاست بروز خواهند داد.

گرچه تعدادی از نمایندگان مؤمن به انقلاب اسلامی در مجلس شورای اسلامی این مهم را کلید زده‌اند و ان‌شاءالله همه نمایندگان در این آزمون بزرگ افتخار خواهند آفرید اما برای مسئولان قوه قضائیه نیز آزمونی بزرگ خواهد شد. طرح قبلی که بر اساس اصل ۱۴۲ تصویب و در مجمع تشخیص قلب ماهیت شد، نتوانست

آنچه باعث نگرانی است اینکه طرح مذکور را که قطعاً منافع عده‌ای را به خطر خواهد

نقد فیلم ابقریب

تنگه ابوقریب

یک فیلم سینمایی که جدا از شخصیت پردازی هایش، به مستند شباهت بیشتری دارد. چرا که از خرده داستان ها تشکیل شده و خط داستانی اصلی ندارد.

اشتیاق به جهاد، فرار از مرخصی، مواجهه ی قهرمانانه با بحران ها، فیلم را به ژانر دفاع مقدس نزدیک می کند. اما مرثیه خوانی از پوست های تاول زده ی شیمیایی و دیالوگ های ضد جنگ ماندند: «برنده ی جنگ کسیه که اسلحه میفروشه»،مفهوم پیروزی در شهادت و حماسه ی شکست را زایل می کند.

در نهایت، فیلم به صورت یک تراژدی، از کشته ها و مجروحان جنگ به پایان می رسد.«خسن» به عنوان پر نشاط ترین شخصیتِ فیلم که بسیار حماسی می جنگید، با موج انفجار به بدترین سرنوشت دچار میشود. سایر شهدا، نه هنگام اسلحه کشیدن مقابل دشمن، بلکه بسیار ناغافل و هنگام دویدن و فرار از تیر دشمن، مجروح و کشته می شوند.

اوج حماسه در موسیقی پایانی فیلم و لحظه ی خروج رزمنده ی نوجوان از بهبوهه و حمل مجروح هاست، که گویا نسل قهرمانی از این تراژدی به آینده منتقل می شود. به طور کلی، اگر چه فیلم تلاش کرده که به تاریخ وفادار بماند و جذابیت داستان را از لحظات واقعی استخراج کند،اما این انتخاب کارگردان بوده که کدام شیوه از انواع شهادت و جراحت را به تصویر بکشد و چگونه داستان را به اتمام برساند.



انداخت، به ریل سیاست و جناح هدایت کنند، اما باید همگی این موضوع را گفتمان کنیم که منفعت‌طلبی اصولگرا – اصلاح‌طلب نمی‌شناسد و نمایندگان محترم مجلس باید در تصویب و اجرای این مهم هم‌صدا شوند و اثبات نمایند که نظام جمهوری اسلامی در مسئله فساد خودی و غیرخودی، چپ و راست و این قوه و آن قوه نمی‌شناسد. این آزمون بزرگ مجلس و قوه قضائیه اکنون مقابل چشم ملتی است که از فساد رنج می‌برد و اعتماد خود را آسیب‌دیده اعلام می‌کند .

عبدالله گنجی

شعله ور

فیلمی درونگرا و ناظر به شخصیت که علیرغم صحبت از اعتیاد، بار دراماتیکی روی آن نگذاشته و با بازی ها و ژست های به یاد ماندنی این آسیب اجتماعی را قاب نگرفته است. ضمن آنکه مسئله ی فیلم تقبیح اعتیاد نیست؛ بلکه وضعیت ترک اعتیاد، شخصیت را در حالتی حساس و بحرانی قرار می دهد تا برای بازیابی دوباره ی خود، دچار حسادت و بدبینی باشد.

این حسادت و بد بینی، نسبت به یک رقیب عشقی صورت نمی گیرد تا مخاطب را دچار نسبی گرایی کند و یا حق انتقام را به فرد حسود بدهد، بلکه با آسیب زدن به یک قهرمان، کاملاً این عمل را برای مخاطب منفور می کند. در ابتدای داستان، شخصیت در حال اثبات خود است، اما وقتی شکست می خورد و تحقیر می شود، با سرخوردگی دچار حسادت به دیگران می شود.

اگر چه قهرمان شعله ور، برای متولد شدن در داستان تلاش خاصی نمی کند، اما به وسیله ی ضد قهرمانی که اینبار محبوب نیست، به درستی ارتفاع می یابد.

موقعیت اقلیمی، محروم ترین استان ایران است. اما آنچه به تصویر کشیده می شود، تمام زیبایی ها و دارایی های سیستان می باشد. و با ناکیدی که بر شیطنّت ضد قهرمان غیر سیستانی می شود، مردم این استان را قدر شناس و عقیف معرفی می کند.

شعله ور صاحب داستانی سه پرده ای و دارای نقلط عطف و گره گشایی های دقیق نیست. اما اگر قصه پردازی را راهی برای معرفی شخصیت و انتقال مضمون بدانیم، این داستان به خوبی مضمون حسادت و حال آشفته ی شخصیت را پرداخته است.

جایی که بدون منطق، نداشته هایش را در تهران رها میکند و راهی سیستان می شود، حال لحظاتِ عصبی اوست و فرار او از خودش، بهانه ای کافی برای این سفر است.

بازگشت نتیجه ی عمل به گناهکار، نه از سر انتقام گرفتن از او و آرام کردن مخاطب، بلکه برای تنبّه او صورت می گیرد. در نتیجه خالق داستان در عین تقبیح حسادت، رفتاری کریمانه

و از سر رحمت با شخصیت دارد.

ضمن آنکه فرصت بازگشت و جبران را از او نمی گیرد.

